



ترس و راحت طلبی دشمن تصمیم گیری

اقدس حسینی محمودی (روانشناس) درباره شک و تردید در تصمیم گیری می گوید

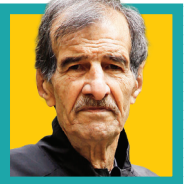
۱۰



ذات ادبیات خوش کردن حال آدم هاست

محمدرضا شرفی خوشان، نویسنده برنده جایزه جلال آل احمد و مدرس داستان نویسی

۱۲



به اماراتی ها گفتیم در دهات شما بازی نمی کنیم

خاطرمباری با حسین کازرانی؛ یکی از بهترین مدافعان تاریخ فوتبال ایران

۱۲

پنجشنبه ۲۶ آبان ۱۴۰۱ ۲۲ ربیع الثانی ۱۴۴۴ شماره ۱۸۷

همیشه یک



عکس: امیر رستمی

ایران بهترین بدلکاران جهان را دارد

با ذبیح‌الله ذبیح‌پور؛ پرکارترین و مسن‌ترین بدلکار تاریخ سینمای ایران که قهرمان کشتی کج بوده و بازیگری هم کرده است

✓ | **سعيدهمرادی**

یکی از چهره‌های معروف بدلکاری و بازیگری در ایران «ذبیح‌الله ذبیح‌پور» است. «ذبیح‌پور» متولد سال ۱۳۲۱ در تویسرکان است و اصالتی بختیاری دارد. آقا ذبیح برای علاقه‌مندان سینما و ورزش‌های رزمی، به‌ویژه کشتی کج، چهره‌ای شناخته‌شده و پیشکسوت است. او در بیش از ۲۰۰ فیلم سینمایی و سریال تلویزیونی ایرانی و خارجی به‌عنوان بازیگر، بدلکار و سرپرست گروه بدلکاری حضور داشته که از جمله شاخص‌ترین آنها می‌توان به فیلم‌های «ستارخان» مرحوم علی حاتمی و «ملک‌سلیمان» و سریال‌های «امام‌علی(ع)» میرباقری و در «چشم باد» مسعود جعفری جوزانی اشاره کرد. «ذبیح‌پور» نه‌تنها به‌عنوان بدلکار، بلکه به‌عنوان بازیگر هم چهره شناخته‌شده‌ای برای اهالی تلویزیون و سینماست. او به‌تازگی در سریالی به نام «جشن سربرون» به کارگردانی «مجتبی راعی» به ایفای نقش پرداخته است. به همین بهانه گفت‌وگویی با این هنرمند پیشکسوت انجام داده‌ایم.

کدام‌یک را زودتر شروع کردید؛ ورزش یا هنرپیشگی و بدلکاری؟
من فعالیت‌های خود را با ورزش شروع کردم و ۷ عنوان قهرمانی را در رشته‌های بوکس، کشتی کج، کشتی آزاد، سوارکاری، شمشیربازی و کشتی فرنگی در کارنامه ورزشی خود دارم.
ورزش را از چه سالی و با کدام رشته ورزشی شروع کردید؟
ورزش حرفه‌ای را از سال ۱۳۴۰ در حالی که ۱۸-۱۹ سال بیشتر نداشتم با رشته «کشتی کج» که در ایران به‌عنوان ورزش رزمی شناخته می‌شود، شروع کردم و کمربند مشکی دان ۷ را در این رشته ورزشی را هم دارم. در همان سال ۱۳۴۰ قهرمان کشتی‌کج شدم. بعد از ۶ ماه بوکس را شروع کردم و در بوکس هم توانستم مقام دوم مسابقات را به‌دست آورم. فعالیت در بوکس هم آنچنان دوام نداشت و بعد از آن در رشته‌های ورزشی وزنه‌برداری، شمشیربازی، سوارکاری و ووشو فعالیت داشتم و توانستم جوایزی را نیز در این رشته‌ها از آن خود کنم.
در آن زمان ورزش تنها حرفه‌تان بود؟
زمانی که ورزش را شروع کردم کارگر ساده کارخانه ولوو بودم. مدیر شرکت ولوو یک مهندس ایرانی بود که همسری سوئدی داشت. آنها یک پسر ۱۶-۱۷ ساله داشتند. سال ۴۰ که من به فینال مسابقات کشتی کج (رزم‌ایران) رسیده

و بدلکاری بود. آقای «امین امینی» کارگردان، تهیه‌کننده، فیلمنامه‌نویس و بازیگر آن روزهای سینما یکی از تماشاچیان این مسابقه بود. او بعد از قهرمانی پیش من آمد و گفت پسر، می‌خواهی فیلم بازی کنی؟ من هم به‌خاطر علاقه‌ای که به سینما داشتم به سرعت جواب مثبت دادم و گفتم چرا که نه! فردای آن روز هم به استودیوی «عمرطلائی» در محله تهران نورفم و اینگونه بود که وارد حرفه بازیگری و بدلکاری شدم.
بدلکاری رشته‌ای جذاب و البته سخت است. چطور شد که در عالم سینما به این رشته روی آوردید؟
خب من در آن زمان که وارد دنیای هنر شدم، قهرمان کشتی کج و ورزش‌های رزمی بودم. فنون این رشته‌ها در بدلکاری کاربرد بسیاری دارد. به این ترتیب من بدلکاری را شروع کردم و حالا هم جوانان علاقمند به این رشته را آماده می‌کنم.
بنابراین بدلکاری با رشته‌های رزمی را به جوانان آموزش هم می‌دهید؟
بله، من تاکنون بیش از ۵۰۰ نفر کارآموز داشته‌ام. هم‌اکنون هم اگر جوانی علاقه‌مند به بدلکاری یا هر یک از رشته‌های رزمی باشد من قطعاً به او

تعلیم می‌دهم. پس مهندس پوستر تبلیغاتی فینال را در خیابان می‌بیند و از پدر و مادرش می‌خواهد تا برای تماشای مسابقه بروند. خلاصه اینکه من در رینگ حریفم را زدم و قهرمان کشتی کج کشور شدم. بعد از قهرمانی، یک روز که سر کار بودم، از بلندگوی کارخانه اسم‌آر صدا زدند و خواستند تا به دفتر بروم. با توجه به اینکه اسم و رسم کارگران ساده‌ای مثل من را کسی نمی‌دانست، از این اتفاق خیلی تعجب کردم و تا به دفتر برسم کلی با خودم فکر و خیال کردم. وقتی وارد شدم، دیدم همه مدیران و مهندس‌های ایرانی و خارجی شرکت جلوی پایم بلند شدند و برایم دست‌زدند و تشویقم کردند! اول خیال کردم دارند سر به سرم می‌گذارند تا اینکه مهندس ماجرا را برایم تعریف کرد و یک هدیه و لوح تقدیر هم به من دادند. مهندس گفت پسر چرا به مانگفتی ورزشکار و قهرمان کشور هستی؟! این باعث افتخار شرکت است. بعد از آن سرکارگر را که به او «فورمن» می‌گفتند، صدا زد و گفت به ذبیح کار باید ده و هوايش را داشته باش. بعد از آن راحت توانستم در کنار کار به فعالیت‌هایم در ورزش و سینما ادامه دهم.

اما چطور شد که پا به دنیای هنرپیشگی و بدلکاری گذاشتید؟
در واقع همان مسابقه فینال قهرمانی کشتی کج که من موفق به کسب عنوان قهرمانی در آن شدم، به نوعی دروازه ورود من به دنیا هنرپیشگی



کمک خواهم کرد.
آیا در بین کارآموزان شما چه در ورزش و چه در بدلکاری افراد معروفی هم بوده‌اند؟
بله، من در فیلم امام‌علی(ع) به «پرویز پرستویی» شمشیربازی و سوزاکاری آموزش داده‌ام. او هنوز هم که مرا می‌بیند با عنوان استاد خطاب می‌کند.
شما به‌عنوان مربی بدلکار بسیاری از فیلم‌های تاریخی، مستند و اجتماعی چه کارهایی را در صحنه انجام می‌دهید؟
در فیلم‌هایی که من مربی بدلکار و اکشن هستم، معمولاً خودم هم بازی می‌کنم. چون بسیاری از تکنیک‌ها را بر اثر تجربه چندین ساله‌ام در سینما به‌دست آورده‌ام. بدلکاری آمیخته‌ای از فنون رزمی و ورزشی و تکنیک‌های بازیگری است. چون این بازیگر است که باید جلوی دوربین بازی کند و در عین حال هم روی اسب بنشیند و شمشیر بزند یا خود را از اسب پایین بپندارد. حتی نحوه دست گرفتن شمشیر یا تفنگ هم در کار مهم است. وقتی برای بدلکاری فیلمی قرارداد می‌بندم باید بازیگران را برای صحنه‌های تیرد یا خطرناک آماده کنم و این همان کار اکشن سینماست.
آیا هر ورزشکاری می‌تواند بدلکار شود؟
خیر. بدلکاری باید در خون آدم باشد. بنابراین ورزشکار بودن به‌معنای اینکه بتوانی بدلکار هم باشی نیست. بدلکاری ریزه‌کاری‌هایی دارد که همه آن را نمی‌دانند.
آیا اینکه بدلکاری در ایران جزو رشته‌های سخت است اما امکانات چندانی برای این رشته در سینما وجود ندارد. فکر می‌کنید دلیل این امر چیست؟
همینطور است. ایران بهترین بدلکاران را در دنیا دارد.
این ادعای بزرگی است. چطور این ادعا را مطرح می‌کنید؟
چون بچه‌های ما با حداقل امکانات بدلکاری می‌کنند. در حالی که در خارج از کشور ابزار و

تجهیزات گسترده علمی و به‌روزی برای بدلکاران وجود دارد. بدلکاران در ایران به‌معنای واقعی با بچه‌های بدلکار است و آنها از جان خود برای این کار مایه می‌گذارند.
این کمبودها باعث نشده تا به فکر مهاجرت از ایران و کار در کشور دیگری باشید؟
نه، به هیچ‌عنوان، من بارها پیشنهادهایی از کشورهای خارجی مانند ژاپن داشتم، اما هیچ وقت دلم نمی‌خواهد جز کشور خودم در جایی دیگر فعالیت کنم. من ایران را با همه وجودم دوست دارم و دلم می‌خواهد همیشه اینجا باشم و به مردم خودم خدمت کنم.
تازگی‌ها به‌عنوان بازیگر یا بدلکار در کاری حضور داشته‌اید؟
تازه‌ترین کار من حضور در سریالی با عنوان «جشن سربرون» به کارگردانی «مجتبی راعی» است که به‌تازگی فیلمبرداری آن به پایان رسیده است و احتمالاً تا چند ماه آینده برای پیش روی آنتن بروم. من در سریال نقش یکی از خان‌های ایل بختیاری که نقشی مثبت است را برعهده دارم.
از بین فیلم‌هایی که تاکنون بازی کرده‌اید کدام یک را بیشتر دوست دارید؟
«پنجه در خاک» و «نجر» را خیلی دوست دارم.
شما با کارگردان‌های بسیاری همکاری داشته‌اید، کار با کدام کارگردان را می‌پسندید؟
همه کارگردان‌هایی که من با آنها افتخار همکاری داشتم همگی خوب بوده‌اند، اما آقای بحرانی با همه فرق می‌کند و من ایشان را خیلی دوست دارم.
آیا به‌عنوان یک پیشکسوت به‌نظر شما چه فرقی بین بازیگران قدیمی و جدید وجود دارد؟
متأسفانه بازیگران امروزی بسیار مغرور هستند. البته نه همه آنها، اما اغلب‌شان غرور دارند و برای پیشکوتان ارزشی قائل نیستند. بازیگران قدیمی بسیار با مرام و به دور از هر نوع تکبر و غرور بودند. این روزها ما گاهی شاهد ساخت سریال یا فیلم‌هایی هستیم که نسبت به فیلم یا سریال‌های قدیمی کیفیت پایینی دارند و کمتر مخاطبان را به خود جذب می‌کنند. به‌عنوان یک پیشکسوت دلیل این امر را چه می‌دانید؟
متأسفانه یکی از دلایل مهم در این زمینه مافیایی است که در سینما وجود دارد. این مافیا اغلب گروه دسته‌خود را دارند و هدفشان تنها پول است و به کیفیت آثار هیچ توجهی ندارند. این مافیا معمولاً در کارها در ازای پول نقش به‌افراد می‌دهند که هیچ تجربه‌ای از بازیگری ندارند. متأسفانه وجود این عوامل باعث شده تا سینمای امروز کیفیت گدشته را نداشته باشد و ما شاهد فیلم‌های ضعیف باشیم.

✓ | **خط پایان**

کارگردان: محمدعلی طالبی

۱۳۶۴

خط پایان

کارگردان: محمدعلی طالبی

۱۳۶۴

خط پایان

کارگردان: محمدعلی طالبی

۱۳۶۴

خط پایان

کارگردان: محمدعلی طالبی

۱۳۶۴

خط پایان

کارگردان: محمدعلی طالبی

۱۳۶۴

خط پایان

کارگردان: محمدعلی طالبی

۱۳۶۴

خط پایان

کارگردان: محمدعلی طالبی

۱۳۶۴

خط پایان

کارگردان: محمدعلی طالبی

۱۳۶۴

خط پایان

کارگردان: محمدعلی طالبی

۱۳۶۴

خط پایان

کارگردان: محمدعلی طالبی

۱۳۶۴

خط پایان

کارگردان: محمدعلی طالبی

۱۳۶۴

خط پایان

کارگردان: محمدعلی طالبی

۱۳۶۴

خط پایان

کارگردان: محمدعلی طالبی

۱۳۶۴

خط پایان

کارگردان: محمدعلی طالبی

۱۳۶۴

خط پایان

کارگردان: محمدعلی طالبی

۱۳۶۴

خط پایان

کارگردان: محمدعلی طالبی

۱۳۶۴

خط پایان

کارگردان: محمدعلی طالبی

۱۳۶۴

خط پایان

کارگردان: محمدعلی طالبی

۱۳۶۴

خط پایان

کارگردان: محمدعلی طالبی

۱۳۶۴

خط پایان

کارگردان: محمدعلی طالبی

۱۳۶۴

خط پایان

کارگردان: محمدعلی طالبی

۱۳۶۴

خط پایان

کارگردان: محمدعلی طالبی

۱۳۶۴

خط پایان

کارگردان: محمدعلی طالبی

۱۳۶۴

خط پایان

کارگردان: محمدعلی طالبی

۱۳۶۴

خط پایان

کارگردان: محمدعلی طالبی

۱۳۶۴

خط پایان

یادداشت

نگاهی به چند فیلم ورزشی پس از انقلاب

«خط پایان»، فیلمی در ژانر ورزشی به کارگردانی «محمدعلی طالبی» است که در سال ۱۳۶۴ ساخته شد. داستان این فیلم درباره «خلیل»، کارگر یک کارگاه تولیدی پوشاک است که اهل ورزش است. او بر اثر یک اتفاق عضو باشگاه «ایران جوان» هم می‌شود. هوشنگ، رئیس کارگاه که علاقه و توانایی «خلیل» را می‌بیند، سفارش می‌کند خلیل که به‌عنوان یکی از نفرت‌ذخیره در تیم حضور دارد، در یکی از مسابقات شرکت کند. خلیل در مسابقه اول می‌شود، او مراحل رشد در دوچرخه‌سواری را طی می‌کند اما وقتی می‌خواهند او را به مسابقات آسیایی اعزام کنند به‌دلیل ناراحتی قلبی نمی‌توانند در این مسابقات حاضر شود. اما این پایان ماجرا نیست؛ بر اثر اتفاقی که برای یکی از دوچرخه‌سواران می‌افتد، خلیل و سایر دوچرخه‌سواران باشگاه ایران جوان در مسابقه‌ای شرکت می‌کنند تا با جایزه مالی آن مشکل مربی‌را حل کنند. «خط پایان» قدیمی‌ترین ونخستین فیلم مهم ورزشی سینمای بعد از انقلاب ایران است. «طالبی» از جمله فیلمسازانی است که در طول دوران کاری خود فیلم‌های متفاوتی را کارگردانی کرده است. او بعدها فیلم «دیوار» را هم در دسته ورزش و موتورسواری ساخت که آن فیلم هم بسیار مهیج و تماشایی بود. از بازیگران فیلم «خط پایان» می‌توان به ایرج طهماسب، پرویز پورحسینی، حمید جبلی و بهزاد رحیم‌خانی و... اشاره کرد.

«یاس‌های وحشی» فیلمی به کارگردانی محسن نسپ‌ونویسنده‌ای محسنی‌نسب‌محصول سال ۱۳۷۶ است. داستان این فیلم درباره ۳ همرزم بسیجی به نام‌های علی، صدرا و رحیم است. صدرا که یک بیمار شیمیایی است، برای معالجه راهی لندن می‌شود. علی، رحیم و چندرزمنده دیگر نیز برای شرکت در مسابقه‌های کاراته به لندن می‌روند. علی به‌عنوان نماینده ایران و رحیم به‌عنوان مربی، مسابقه‌های آزاد کاراته را آغاز می‌کنند. یک ایرانی دیگر به نام رضا که تابعیت انگلستان را گرفته، به‌عنوان نماینده این کشور در مسابقه‌ها حضور دارد. در آغاز مسابقه‌ها، علی پس از شکست دادن حریف آمریکایی‌اش با یک ورزشکار اسرائیلی برخورد می‌کند؛ اما حاضر به مسابقه با او نمی‌شود و ورزشکار اسرائیلی حریف رضا در فینال مسابقه‌ها می‌شود. قبل از شروع مسابقه، چند مرد به روی رضا اسلحه می‌کشند تا مسابقه‌اش را در مقابل حریف اسرائیلی واگذار کند و همسر رضا را نیز گروگان می‌گیرند. اما رحیم که رفتار نامعقول رضا را حین مسابقه می‌بیند، در خنک‌ساز پس از د کبری با گروگانگیران، همسر رضا را آزاد می‌کند. رضا هم با روحیه‌ای قوی حریف خود را شکست می‌دهد. همزمان با پایان مسابقه، صدرا هم جان می‌سپارد. جعفر دهقان، احمد میررفیعی، سحر طلوعی، حسین پاکدل، حمید طالقانی از جمله بازیگران این فیلم هستند.

«غلامرضا تختی»، فیلمی به کارگردانی «بهرام توکلی» است که در سال ۱۳۹۷ ساخته شد. این فیلم روایتگر زندگی‌نامه شخصی و ورزشی جهان‌پهلوان تختی، کشتی‌گیر آوازاه ایرانی و ریشه‌یابی دلایل مرگ او است. داستان فیلم هم از همین‌جا شروع می‌شود، تختی با قراوت و مصیبت‌نامه‌ای که خود آن را می‌نویسد، دست به‌خودکشی می‌زند و فیلم با فلاش‌بک، بخش‌هایی از کودکی تا جوانی و میانسالی این قهرمان بزرگ را به‌نمایش می‌گذارد. در طول فیلم به‌تفرض شداد در کودکی و زمانی که در حبلی آبادهای جنوب تهران زندگی می‌کرد، پرداخته می‌شود. سپس چگونگی ورودش به کشتی و قهرمانی‌ها و مشکلات او در این راه به‌نمایش درمی‌آید. در انتها نیز چگونگی منزوی شدن تختی به‌نمایش گذاشته شده است. این خصوصاً در فیلم حبلی‌ها تصور می‌کند شاید این اثر هم مثل مسعود فلیله‌های زندگی‌نامه‌ای ایرانی خوب از آب در نیاید، امّا توکلی در کنار کارگردانی، فیلمنامه‌نویس قهرای است و توانست زندگی‌نامه تختی را در قالب یک درام دلنشین و نگارش در آورده و همین مهم‌ترین تفاوت فیلم غلامرضا تختی با سایر فیلم‌هایی است که راجع به زندگی‌نامه ورزشکاران ساخته شده است. محسن تختی، حمیدرضا آذرنگ، م‌ه‌س‌ور الوند، فرهاد آئیش، پنهوش طباطبایی و علیرضا گودرزی از جمله بازیگران این فیلم هستند.

«سونامی»، فیلمی به کارگردانی «میلاد صدرعاملی» است که در سال ۱۳۹۷ ساخته شد. در این فیلم در آخرین اردوی تیم ملی توانمند، سرمربی تیم ۲۰ تن از بازیکنان اعزامی، به‌کشوری خارجی پناهنده شده و به ایران بر نمی‌گردند. در این میان «بهداد مقیمی» که نفر چهارم در میان بازیکنان است، به‌دلیل نامزدش که او هم بازیکن تیم‌سخت‌بخت است، به ایران بر نمی‌گردد. فدراسیون در نبود سرمربی تیم، به سراغ «خسروی»، مربی کارکننده و حرفه‌ای سال‌های دور تگواندو می‌رود و او را به‌عنوان سرمربی تیم ملی معرفی می‌کند. «خسروی» دو شرط برای آمدن دارد، اول اینکه برای تمام‌وزن‌ها مسابقات انتخابی عادلانه برگزار کند و دو، شاگرد قدیمی خود «مرتضی نژادی» را که در المپیک قبلی با مصلحت و به‌اجبار او ناچار به باخت خود خواسته در مقابل حریف شده به تیم بازگرداند. با گذشت «مرتضی نژادی» به تیم و رویارویی او با بهداد مقیمی سسر آغاز اتفاقات متفاوتی در طول فیلم است. میلاد صدرعاملی در نخستین فیلم بلند خود بسیار موفق ظاهر شده و علاوه بر تعریف کردن قصه‌ای جذاب در طول فیلم، مخاطب را بعد از مدت‌ها در سینمای ایران با پایان بازرها نکرده است. بهرام ارادن، مهرداد صدیقیان، فرشته حسینی، رعنا آزادی‌پور و علیرضا شجاع‌نوری از بازیگران این فیلم هستند.

«لاله»، فیلمی به کارگردانی «اسدالله نیک‌نژاد» و به تهیه‌کنندگی «پروانه پرتو» یکی از متفاوت‌ترین تولیدات سینمای ایران در یک دهه اخیر است که در سال ۱۳۹۹ و در ژانر درام ایران‌گرد شد. فیلم لاله برگرفته از ماجراهای زندگی لاله صدیق، قهرمان اتومبیل‌رانی ایران است و چالش‌ها و مشکلاتی که این راننده حرفه‌ای با آن مواجه بوده را به تصویر کشیده است. «لاله» متولد سال ۱۳۵۵ در تهران و نخستین فرزند یک خانواده ۶ نفری است. او نخستین زن در تاریخ جمهوری اسلامی ایران است که در یکی از رشته‌های ورزشی اتومبیل‌رانی به رقابت با مردان پرداخته است. وی همچنین به‌عنوان مسئول آموزش بخش بانوان فدراسیون اتومبیل‌رانی ایران مشغول به فعالیت است. سام قربان، ایرج نودری، نیکی کریمی، میترا حجار، محمد صادقی، امیرعلی دادبایی و... از جمله بازیگران این فیلم هستند.

✓ | **خط پایان**

کارگردان: لاله

۱۳۹۹

خط پایان

کارگردان: لاله

۱۳۹۹

خط پایان

کارگردان: لاله

۱۳۹۹

خط پایان

کارگردان: لاله

۱۳۹۹

خط پایان

کارگردان: لاله